

جایگاه بیمه‌ی (سازمان) تأمین اجتماعی بندرعباس در کسب اعتماد اجتماعی این شهرستان (۱۳۹۳-۱۳۹۱)

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۲۲

مسعود جعفری نژاد*

محمود خوارزمی**

چکیده

اعتماد اجتماعی مفهومی است که در فرایند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر به وجود می‌آید و اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن سرمایه‌ی اجتماعی به شمار می‌رود که در حیطه‌ی خصوصی و عمومی، شکل‌دهنده‌ی این سرمایه است. وجه خصوصی آن در مورد رابطه‌ی دو شخص خاص با یکدیگر صدق می‌کند و وجه عمومی آن در مورد اعتماد به گروه، حزب یا دولت یا سازمان‌های رسمی و غیر رسمی و نهادهای اجتماعی نمود دارد. این سازمان‌ها یا نهادهای اجتماعی می‌توانند با ایجاد رابطه میان افراد جامعه، مشارکت اجتماعی را افزایش دهند و اعتماد اجتماعی را به وجود آورند. این مقاله با هدف بررسی تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی پاسخگویان، در دو گروه دریافت مستمری یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کارافتادگی تأمین اجتماعی استان هرمزگان صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، از یک سو مشمول دو گروه مستمری‌بگیران از کارافتادگی بیمه‌ی تأمین اجتماعی استان هرمزگان در سال‌های ۱۳۹۳ - ۱۳۹۱ و از سوی دیگر، فاقدان مستمری بیمه‌ی تأمین اجتماعی این استان تعیین شد و از این دو گروه، سی نفر به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی است. برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه‌ی استاندارد مادسیج اعتماد اجتماعی، در بررسی رابطه‌ی اجتماعی بین دو گروه از آزمون تی مستقل و در بررسی میزان همبستگی آنها از آزمون اتا استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مستمر بگيران از کار افتاده‌ی بیمه‌ی تأمین اجتماعی نسبت به فاقدان مستمری، از اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند. نتیجه‌ی به دست آمده حاکی از شدت رابطه‌ی بالا (۰/۷۴) بین دو متغیر است.

کلیدواژه‌ها: اعتماد اجتماعی، تأمین اجتماعی، بیمه‌ی تأمین اجتماعی، از کارافتادگی بیمه‌ی تأمین اجتماعی.

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین رکن سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی است. تاکنون اندیشمندان اجتماعی تعاریف مفهومی بسیاری از اعتماد مطرح کرده‌اند؛ اعتماد اجتماعی است که تعهد به منافع ملی و اجتماعی را بالا می‌برد. در جامعه‌ای که اعتماد اجتماعی بالا باشد مردم به حکومت، قوانین و مجریان آن به چشم حامی و خادم می‌نگرند و خود را نسبت به مشکلات اجتماعی مسئول می‌دانند و بی‌تفاوتی اجتماعی به حداقل خود کاهش می‌یابد. در یک تقسیم‌بندی کلی اعتماد را می‌توان در چهار سطح بررسی کرد؛ اعتماد بنیادین که در سطح فردی و روانشناسی بررسی می‌شود، اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد به نظام یا سیستم که در سطح جامعه‌شناسی بحث می‌شود. اعتماد به نظام یا سیستم بدین صورت است که در جامعه‌ی مدرن، الزاماً دو سوی فرایند ارتباط، ارتباط‌گران انسانی نیستند، بلکه انسان‌ها گاهی با کنش‌گران غیرفردی ارتباط برقرار می‌کنند. به این ترتیب شکل دیگری از اعتماد مطرح می‌شود که متوجه ساختارهای غیرشخصی است. در این مورد به دو نوع اعتماد نهادی و مدنی یا انتزاعی اشاره شده‌است. اعتماد نهادی دلالت دارد بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادهای رسمی دولتی دارند؛ به تعبیر دیگر، انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد نتیجه‌ی بی‌اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهادها هستند. بنابراین، میزان اعتماد نهادی بر حسب نوع ارزیابی مردم از کارکنان این نهادها در قالب ادارات، ارگان‌ها و نهادهای مختلفی که در زندگی روزمره با آنها ارتباط دارند، سنجیده می‌شود. مدرسه، دانشگاه، ارتش، دادگاه، نیروی انتظامی، بانک‌ها، بازار سهام، تأمین اجتماعی و... نوعی از این اعتماد هستند (علی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۸). میزان اعتمادی که مردم به نهادهای مختلف دارند در بین جوامع متفاوت است و در طی زمان دستخوش تغییراتی می‌شود (تومکا، ۱۳۸۲: ۳۱). اعتماد اجتماعی، مهم‌ترین رکن سرمایه‌ی اجتماعی و پیش شرط مشارکت جمعی است؛ یعنی هر اندازه اعتماد اجتماعی بین افراد یک جامعه، نهادها، دولت و... بیشتر باشد، به همان اندازه انتظار مشارکت اجتماعی نیز بالا می‌رود. بیمه‌ی تأمین اجتماعی یکی از انواع این نهادهای اجتماعی است که در کاهش یا افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه نقش دارد. واژه‌ی تأمین اجتماعی گاهی با اصطلاح رفاه اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی، خدمات اجتماعی و... تداخل داده می‌شود و باید گفت مفهوم واقعی اجتماعی پدیده‌های اجتماعی و همه‌ی جنبه‌های زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد؛ مانند جوانب اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، عقیدتی، بهداشتی، درمانی، معیشتی و... بیمه‌ی تأمین اجتماعی درج. ۱. دارای خدماتی بلندمدت و کوتاه‌مدت است؛ بیمه‌ی از کار افتادگی تأمین اجتماعی یکی از خدمات بلندمدت تأمین اجتماعی است که به نسبت خوبی توانسته‌است مشارکت، اعتماد و سرمایه‌ی اجتماعی را در استان هرمزگان افزایش دهد. در این پژوهش تلاش می‌شود به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که رابطه‌ی بین مستمیری‌بگیران از کار افتادگی‌های بیمه‌ی تأمین اجتماعی و اعتماد اجتماعی آنها چگونه است.

۱-۱- اعتماد اجتماعی و دیدگاه نظریه پردازان

اعتماد در زبان فارسی مترادف با تکیه کردن، وا گذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد به کار گرفته می‌شود. در فرهنگ لغت آکسفورد، اعتماد به معنی اطمینان به بعضی از صفات یا ویژگی یک شخص یا حتی درستی و حقانیت یک نظریه تعریف شده‌است. با وجود اینکه تاکنون اندیشمندان اجتماعی تعاریف مفهومی بسیاری از اعتماد مطرح کرده‌اند، در زیر به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود:

تالکوت پارسنز، اعتماد را عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی و ثبات و نظم می‌داند. به عقیده وی، اعتماد این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران به منظور دستیابی به یک موفقیت گروهی از منافع شخصی دست می‌کشند. وی نظام منسجم را نظامی می‌داند که بتوان به عاملان آن در اجرای وظایفشان اعتماد کرد که این امر خود به پایداری و نظم سیستم اجتماعی کمک می‌کند (انعام، ۱۳۸۲: ۱۷).

آنتونی گیدنز در تعریف اعتماد به فرهنگ آکسفورد استناد می‌کند و اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکاء به نوعی کیفیت، صفت یا اطمینان به حقیقت عبارت یا گفته‌ای توصیف می‌کند. به اعتقاد وی اعتماد نوع خاصی از اطمینان است و چیزی یکسره متفاوت از آن نیست (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۸).

رونالد اینگلهارت در تعریف خود از اعتماد، به جنبه‌ی قابلیت پیش‌بینی رفتار توجه و عقیده دارد اعتماد یا عدم اعتماد، به تشکیل انتظارات در شرایط اطلاعاتی ناقص کمک می‌کند و اعتماد این انتظارات را در بر می‌گیرد که رفتار دیگری به طرز قابل پیش‌بینی دوستانه خواهد بود و در جهت مخالفت رفتار مودبانه یا اعتمادناپذیر افراد، عدم اعتماد تلقی می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۸).

فرانسیس فوکویاما اعتماد را به عنوان انتظاری که در یک جامعه از رفتار مقرراتی، مسئولانه و همیارانه‌ی بخشی از اعضای دیگر جامعه که بر هنجارهای مشترک عام مبتنی است، تعریف می‌کند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۳۳).

به نظر کلاوس افه، اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. وی همچنین اعتماد را فرضی شناختی می‌داند که کنشگران فردی یا جمعی/گروهی در تعامل با دیگران به کار می‌بندند (به نقل از تاجبخش، ۱۳۷۹: ۵).

دیوید جانسون معتقد است: اعتماد یک ویژگی شخصی ثابت و بلا تغییر نیست، بلکه جنبه‌ای از روابط است که پیوسته در حال تغییر بوده و برای ایجاد ارتباط، فرد باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که ترس از طرد شدن را کاهش و امید به پذیرش و حمایت و تأیید را افزایش دهد (Johnson, 1993).

در یک جمع‌بندی کلی، اشتراکات تعاریف فوق را می‌توان این چنین برشمرد:

- ۱- اعتماد در فرآیند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماعی با همدیگر تبلور می‌یابد.
- ۲- اعتماد متضمن نوعی انتظار است.
- ۳- اعتماد در شرایط و وضعیت مخاطره‌آمیز وجود دارد. مفهوم فقدان تعین اجتماعی، یعنی فقدان پیش‌بینی رفتارها و امور نیز با مفهوم اعتماد توأم است.
- ۴- حسن ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه

نیز عنصر کلیدی اعتماد محسوب می‌شود؛ چرا که با وجود فقدان قطعیت‌ها و وجود خطر در روابط، افراد به دلیل حسن ظن و احساس مثبتی که به یکدیگر دارند به هم اعتماد می‌کنند. ۵- اعتماد واقعیتهای اجتماعی و فرهنگی است. ۶- اعتماد خصلت نسبی و متغیر دارد؛ یعنی اینکه در یک جامعه در دوره‌های مختلف تاریخی تغییر می‌کند.

۲-۱- چارچوب نظری شکل‌گیری اعتماد اجتماعی

در بررسی پیشینه‌های مطالعاتی اعتماد اجتماعی، ضعف عمده در کمبود مطالعه‌ی نظری و تجربی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی است. با مروری بر نظریه‌پردازی‌های صورت گرفته، اعتماد و نظریه‌های مربوط به آن را می‌توانیم در سه سطح خرد، میانی و کلان قابل توجه قرار دهیم. در هر یک از این سطوح، می‌توان تئوری‌های متفاوتی را قرار داد که هر یک از منظر و دیدگاه خاصی به اعتماد می‌نگرند. در سطح خرد، اعتماد به عنوان ویژگی فردی مطرح می‌شود، بر احساسات، عواطف و ارزش‌های فردی تأکید می‌گردد و در بررسی اعتماد تئوری‌های شخصیت و متغیرهای فردی قابل توجه قرار می‌گیرد. براساس این دیدگاه، اعتماد با مفاهیمی چون همکاری، صداقت، وفاداری، صمیمیت، امید و دگرخواهی ارتباط نزدیکی دارد. نظریه‌پردازی همچون کلمن، اریکسون، پیترا بلو، جانسون و ... از منظر نظریه‌های خرد به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد پرداخته‌اند. نظریه‌پردازان خردنگر به منظور تحلیل معنا و مفهوم اعتماد، سطح تحلیل خرد و مطالعه‌ی کنش را برگزیده‌اند. همه‌ی این نظریه‌پردازان، اعتماد را به عنوان یک ویژگی فردی و متأثر از کنش‌های افراد در نظر می‌گیرند.

در سطح کلان، اعتماد به عنوان ویژگی روابط اجتماعی یا ویژگی نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم‌سازی می‌شود. نظریه‌پردازانی مانند دورکیم، تونیس، اسپنسر، زیمل، پارسنز، اینگلهارت، پاتنام، فوکویاما، لوهمان و غیره سعی کرده‌اند با تأکید بر ساخت اجتماعی جامعه، به مطالعه‌ی اعتماد اجتماعی بپردازند. همه‌ی این نظریه‌پردازان، سطح تحلیل کلان را برای بررسی خود درباره‌ی اعتماد برگزیده‌اند. همین‌طور در بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد، سطح مطالعه‌ی خود را بر ساخت اجتماعی متمرکز ساخته‌اند.

در بینابین نظریه‌های خرد و کلان اعتماد، نظریه‌پردازی چون گیدنز با طرح تئوری ساختاربندی هر گونه تقلیل‌گرایی را در بررسی مفهوم اعتماد رد کرد و با تلفیق سطح تحلیل خرد و کلان و سطح مطالعه‌ی ساخت و کنش، به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد پرداخت. به عقیده‌ی گیدنز در جوامع پیش از مدرن، اعتماد از نوعی پای‌بندی چهره‌دار و مبتنی بر هم‌حضور بوده‌است. در حالی که در عصر مدرنیته و جهان مدرن امروزی وضعیت این چنین نیست. اعتماد غیر شخصی به دیگران ناشناس، ناشی از ماهیت رشد‌یابنده‌ی نظام‌های انتزاعی می‌باشد. وجه عمده‌ی اعتماد در دوران مدرنیته، پای‌بندی بی‌چهره‌ای است که در نظام‌های تخصصی معنا پیدا می‌کند (ریترز، ۱۳۸۶: ۹۸). در این نوشتار از ارائه نظریات متعدد خودداری و تنها آرای جیمز

کلمن، فرانسیس فوکویاما و آنتونی گیدنز به عنوان نماینده‌ی اصلی این سه سطح بررسی می‌شود.

– جیمز کلمن (سطح خرد)

نظریات جیمز کلمن که در چارچوب نظریات سرمایه‌ی اجتماعی مطرح شده‌است، اگرچه به ابعاد اعتماد شخصی و انتزاعی توجه دارد، به طور کلی شیوه‌ی روانشناختی مبادله را مبنای تحلیل‌های خود قرار می‌دهد و به خصوص در تحلیل روابط گروه‌های با تعداد نسبتاً زیاد، تنها همان قواعد گروه‌های دو و سه نفره را به کار می‌برد. حال آنکه در تئوری مبادله به خوبی نشان داده شده‌است که قواعد حاکم بر گروه‌های بزرگ به صورتی ماهوی با قواعد جاری در گروه‌های کوچک متفاوت است (به نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

به نظر کلمن در هر رابطه‌ی مبتنی بر اعتماد حداقل دو جزء وجود دارد؛ اعتماد کننده و اعتماد شونده و فرض بر این است که در کنش هر دو جزء هدفمند بوده و در پی ارضای نیازهای خود هستند. طرف اعتمادکننده باید تصمیم بگیرد که با دیگری وارد معامله شود یا نه (یعنی خطر را بپذیرد یا نه) و طرف اعتماد شونده نیز باید بین حفظ اعتماد یا شکستن آن دست به انتخاب بزند. بنابراین، یک رابطه‌ی مبتنی بر اعتماد، رابطه‌ی دوجانبه است و بر مبنای اصل به حداکثر رساندن فایده، تحت شرایط مخاطره قرار دارد (کلمن، ۱۳۷۷: ۹۲).

به عقیده‌ی کلمن اصولاً در یک رابطه‌ی مبتنی بر اعتماد، ما با کنشگرانی عقلانی مواجه هستیم. در این رابطه اگر برای کنشگر شانس پیروزی در مقایسه با شانس شکست بیشتر باشد، اعتماد خواهد کرد؛ زیرا او موجودی عقلانی است و باید اعتماد کند. این بیان ساده مبتنی بر اصل به حداکثر رساندن سودمندی تحت شرایط ریسک است. اعتمادکننده‌ی بالقوه باید بین اعتماد نکردن - که در این صورت هیچ تغییری در سودمندی او حاصل نمی‌شود - و اعتماد کردن - که در این صورت به کنش طرف مقابل بستگی دارد - تصمیم‌گیری کند (Coleman, 1990). بنا بر آنچه ذکر گردید، طبق نظر کلمن چون انسان موجودی عقلانی است که کنش‌های او مبتنی بر گزینش معقولانه است؛ از این رو، همیشه در فکر این است که در روابط خود حداکثر سود ممکن را کسب کند. او برای این کار ابتدا مقداری از منابع را از طرف خود هزینه می‌کند که به عنوان هزینه‌ی اعتماد در نظر گرفته می‌شود تا بتواند در جریان اعتماد به سودی متناسب با آن هزینه دست یابد. لذا اگر جریان و رابطه‌ی اعتمادی سودآور باشد، اعتماد و روابط اعتمادی بیشتر خواهد شد، ولی اگر این رابطه‌ی اعتماد سودآور نباشد، یا اینکه باعث ریسک بالا و فقدان سود متناسب شود، آن گاه اعتماد و رابطه‌ی اعتمادی کاهش می‌یابد.

– فرانسیس فوکویاما (سطح کلان)

فوکویاما با نوعی رویکرد اقتصادی به تبیین مسأله‌ی اعتماد می‌پردازد و مبنای نظری و کانون تمرکز وی، بر حفظ سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان مجموعه‌ی معینی

از هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی است و اعضای گروهی که با یکدیگر همکاری و همیاری دارند، در آن سهیم هستند. از دید فوکویاما، این ارزش‌ها و هنجارها باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰۲)؛ به طوری که مشارکت در این ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمی با چنین ویژگی‌هایی، توسط گروهی از افراد که با یکدیگر همکاری دارند، اعتماد را به وجود می‌آورد. البته به عقیده‌ی فوکویاما، این همکاری و همیاری به منظور افزایش بهره‌وری اقتصادی صورت می‌گیرد؛ بنابراین، وی اعتماد را بر مبنای سرمایه‌ی اجتماعی و در عرصه‌ی اقتصادی مطرح می‌سازد.

فوکویاما «شبکه‌ی اعتماد» را یکی از مفاهیم مهم در تبیین سرمایه‌ی اجتماعی می‌داند. این شبکه عبارت است از گروهی که براساس اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادلات بین خود استفاده می‌کنند؛ از این رو اعتماد بین خود، در تسهیل فرآیندها و کاهش هزینه‌های مربوط به این‌گونه تبادلات نقش زیادی دارد. شبکه‌ی اعتماد می‌تواند بین افراد یک گروه یا بین گروه‌ها و سازمان‌های مختلف به وجود آید. فوکویاما معتقد است که «قبل از ورود به هر سیستم تجاری یا اجتماعی، باید اطلاعات کافی درباره‌ی شبکه‌های اعتماد موجود در آن سیستم و ویژگی‌های آن به دست آورد؛ زیرا اعتماد را پایه‌ی هر گونه مبادلات اقتصادی و اجتماعی می‌داند.» (به نقل از رجب‌لو، ۱۳۸۵: ۶۵؛ الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵: ۱۸۷). فوکویاما عنوان می‌کند، بین سطح اعتماد با پیشرفت جوامع ارتباط معنی‌داری وجود دارد. به عقیده‌ی وی، جوامع توسعه‌یافته در مقایسه با جوامع دیگر از سطح اعتماد بالاتری برخوردارند. وی در این باره می‌نویسد: خوشبختی یک ملت و همین‌طور تواناییش برای رقابت، منوط است به داشتن یک ویژگی فرهنگی واحد فراگیر که آن سطح اعتماد در جامعه است.

– آنتونی گیدنز (سطح میانی)

دیدگاه جامعه‌شناس بریتانیایی آنتونی گیدنز، به دلیل اینکه هر دو وجه جامعه‌شناسی و روانشناسی را در تبیین اعتماد اجتماعی به صورت توأمان به کار گرفته، توجه بسیاری از محققین داخلی و خارجی را به خود جلب کرده‌است و بسیاری از آنها با محوریت این تئوری به بررسی این پدیده‌ی اجتماعی پرداخته‌اند. مهم‌ترین خصلت آرای گیدنز تلفیق سطوح خرد و کلان، ویژگی تحلیل الگوهای اعتماد در دوران ماقبل مدرن و مابعد مدرن‌تیه و چگونگی ساز و کار تغییر آن است. به عقیده‌ی وی «پویایی مدرنیت سه سرچشمه مهم دارد: جدایی زمان و مکان، تحول مکانیسم‌های از جا کندگی و تخصیص بازاندیشانه. در دید وی نشانه‌های نمادین و نظام‌های تخصصی، نظام‌های انجام دادن کار فنی یا مهارت تخصصی است که حوزه‌های وسیعی از محیط‌های مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را سازمان می‌دهند.» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲۳). از نظر گیدنز «اعتماد در جوامع ماقبل نوین از اهمیت کمتری در مقایسه با جوامع نوین برخوردار است؛ چرا که افراد هر چه فاصله‌ی زمانی - مکانی

بیشتری از هم داشته باشند، به اعتماد بیشتری نیاز خواهند داشت. در جوامع ماقبل نوین که خصلتی محلی و بومی دارند و کنش‌های متقابل بیشتر در سطح محلی و رو در رو رخ می‌دهند، در روابط اجتماعی افراد چنان صراحت و شفافیتی به چشم می‌خورد که نیازی به اعتماد ندارند؛ زیرا این اعتماد به طور طبیعی وجود دارد. اما در جوامع بزرگ و گسترده که روابط اجتماعی در فاصله‌ی زمانی و مکانی بسیار دوری انجام می‌گیرد و افراد درگیر این روابط، کمتر با یکدیگر آشنایی چهره به چهره دارند، به اعتماد از طریق نظام‌های پولی و حقوقی بسیار نیازمند هستند.» (به نقل از ریتزر، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

گیدنز در مباحث خویش بین دو نوع اعتماد تمایز قائل می‌شود: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. اعتماد انتزاعی در برگیرنده‌ی آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است؛ از این رو، در حالی که کنشگر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند، می‌تواند درباره‌ی میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم‌یافته نیز دارای ایده‌ها و باورهایی باشد. افراد همچنین می‌توانند درباره‌ی میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. از این فرآیند می‌توان تحت عنوان سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده‌ی اعتماد به نظام‌های تخصصی می‌نامد؛ یعنی ممکن است کنشگر از فردی که اتومبیل یا خانه او را ساخته است، شناختی نداشته باشد ولی نسبت به نظام استاندارد، تنظیم قواعد و قوانین، و نظارت و کنترل کیفیت میزانی از اعتماد داشته باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۱۲). گیدنز همچنین برای نشان دادن نقطه‌ی مقابل اعتماد از مفهوم و اصطلاح بی‌اعتمادی استفاده می‌کند که شامل اعتماد نسبت به اشخاص و نظام‌های انتزاعی است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۲).

اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی است که با اخلاق و ایمان ارتباط مستقیمی دارد؛ چرا که با کاهش و کم رنگ شدن باورهای دینی و ارزش‌های اخلاقی، اعتماد اجتماعی نیز کم رنگ می‌شود و این اعتماد اجتماعی است که با افزایش آن، اعتماد عمومی مردم به یکدیگر افزایش می‌یابد و از سویی باعث ارتقاء سطح روابط و مناسبات اجتماعی و فرهنگی و از سوی دیگر، به افزایش مشارکت مردمی و رشد و بالندگی و پویایی در عرصه‌ی اقتصادی منجر می‌شود.

این اعتماد اجتماعی است که تعهد به منافع ملی و اجتماعی را بالا می‌برد. در جامعه‌ای که اعتماد اجتماعی بالا باشد مردم به حکومت، قوانین و مجریان آن به چشم حامی و خادم می‌نگرند و خود را نسبت به مشکلات اجتماعی مسئول می‌دانند و بی‌تفاوتی اجتماعی به حداقل خود کاهش می‌یابد. بی‌ثباتی سیاسی، نارضایتی عمومی، رواج دروغ و نادرستی و در کل عدم رعایت اخلاق در جامعه، ناشی از بی‌اعتمادی است. لذا اعتماد به دستگاه‌های اجرایی به عنوان یک مقوله‌ی اجتماعی، از مسائل اساسی است و نقش مدیران اجرایی این دستگاه‌ها در افزایش اعتماد مردم نیز اساسی و کلیدی خواهد بود. چنانچه مدیران با کارکنان و مردم رفتاری مهربانانه، صمیمی،

بی‌ریا و آزاد داشته باشند اعتماد شکل گرفته و نمود آن در تمامی سطوح مختلف متبلور خواهد شد.

۳-۱- سطوح اعتماد اجتماعی

در یک تقسیم‌بندی کلی اعتماد را می‌توان در چهار سطح بررسی کرد؛ اعتماد بنیادین که در سطح فردی و روان‌شناسی بررسی می‌شود، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد به نظام یا سیستم که در سطح جامعه‌شناسی بحث می‌شود.

- اعتماد بنیادین^۱: اعتماد بنیادین نگرشی است که فرد نسبت به خود و دنیای پیرامون خود دارد و موجب تقویت این احساس می‌شود که افراد و امور دنیا، قابل اعتماد و دارای ثبات و استمرار هستند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۲۳). اریک اریکسون، روان‌کاو نامدار معتقد است این اعتماد، محصول فرایندهای دوره‌ی نوزادی است. اگر دیگران نیازهای اصلی و مادی و عاطفی نوزاد را تأمین کنند، حس اعتماد در کودک به وجود می‌آید؛ اما عدم تأمین این نیازها سبب می‌شود نوعی بی‌اعتمادی نسبت به جهان، به‌ویژه در روابط شخصی به وجود آید (بالاخانی و جواهری، ۱۳۸۵: ۴).

- اعتماد بین‌شخصی^۲: اعتماد بین‌شخصی شکلی از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات روزانه را موجب می‌شود. اعتماد بین‌شخصی، حوزه‌ای از تعاملات میان عشاق، دوستان و همکاران همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار و ... را دربر می‌گیرد. مشکل اصلی اعتمادی که از تجربه‌ی تعامل شخصی ایجاد می‌شود، محدود بودن قلمرو آن است در جامعه‌ای که تحرک و نیازها به همکاری با غریبه‌ها و اتکاء به آنها یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی آن است، این امر چندان راه‌گشا نیست (امیرکافی، ۱۳۸۵: ۸۳).

- اعتماد تعمیم‌یافته^۳: اعتماد تعمیم‌یافته را می‌توان داشتن حسن ظن نسبت به اکثریت افراد جامعه جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد (همان: ۹). موضوع این اعتماد به‌عنوان مهم‌ترین عنصر نگرشی سرمایه‌ی اجتماعی قلمداد شده‌است و از آن جهت، متمایز کردن جوامعی که دارای سرمایه‌ی اجتماعی سطح بالا هستند نسبت به جوامعی که سطح پایینی دارند، استفاده می‌شود.

این نوع اعتماد در سطحی گسترده‌تر از خانواده، دوستان و آشنایان قرار می‌گیرد.

اعتماد تعمیم‌یافته بنا بر تعریف فوق متضمن نکات زیر است:

- اعتماد تعمیم‌یافته تنها به افرادی که باهم تعامل دارند و میانشان روابط چهره به چهره برقرار است، محدود نمی‌شود.

- اعتماد تعمیم‌یافته مرزهای خانوادگی، قومی و محلی را در می‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد.

1. Basic Trust

2. Interpersonal Trust

3. Generalized Trust

- اعتماد تعمیم‌یافته حوزه‌های از کسانی که با ما تعامل دارند یا بالقوه می‌توانند تعامل داشته باشند، دربر می‌گیرد.

- اعتماد تعمیم‌یافته پدیده‌ی نسبتاً جدیدی است که با شکل‌گیری دولت‌های مدرن یا دولت - ملت مطرح می‌شود.

- اعتماد تعمیم‌یافته لازمه‌ی همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که جوامع پیچیده و مدرن امروزی را تشکیل می‌دهند.

- در جامعه‌ی سنتی نیاز چندانی به اعتماد تعمیم‌یافته نیست؛ زیرا مرزهای مشخصی بین خودی و بیگانه همچنین بین دوست و دشمن وجود دارد. اعتماد در جامعه‌ی سنتی محدود به کسانی است که به آن جمع تعلق دارند و هر کس خارج از آن قرار گیرد، مظنون و مشکوک است (امیرکافی، ۱۳۸۵: ۹).

- اعتماد به نظام یا سیستم: در جامعه‌ی مدرن الزاماً دو سوی فرایند ارتباط، ارتباط‌گران انسانی نیستند، بلکه انسان‌ها گاهی با کنشگران غیرفردی ارتباط برقرار می‌کنند. به این ترتیب شکل دیگری از اعتماد مطرح می‌شود که متوجه ساختارهای غیرشخصی است. در این مورد به دو نوع اعتماد نهادی و اعتماد مدنی یا انتزاعی اشاره شده‌است.

الف) اعتماد نهادی: اعتماد نهادی بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی دلالت دارد که مردم به نهادها (رسمی دولتی) دارند. به تعبیر دوگان، انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد نتیجه‌ی بی‌اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهادها هستند. بنابراین، میزان اعتماد نهادی برحسب نوع ارزیابی مردم از کارکنان این نهادها در قالب ادارات، ارگان‌ها و نهادهای مختلفی که در زندگی روزمره با آنها ارتباط دارند، سنجیده می‌شود. مدرسه، دانشگاه، ارتش، دادگاه، نیروی انتظامی، بانک‌ها، بازار سهام، دولت، مجلس و ... نوعی از این اعتماد هستند. میزان اعتمادی که مردم به نهادهای مختلف دارند در بین جوامع متفاوت است و در طی زمان دستخوش تغییراتی می‌شود (زومکا، ۱۳۸۶: ۵۶).

ب) اعتماد انتزاعی (مدنی): گیدنز نظام‌های انتزاعی را نظام‌های اجرای کار فنی یا مهارت تخصصی می‌داند که حوزه‌های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهد؛ مثل نظام پزشکی، نظام معماری و غیره. به نظر وی ما از اعتماد به نهادهای مدرن و نظام‌های انتزاعی در موقعیتی که بسیاری از جنبه‌های مدرنیت جهانی شده باشد، ناگزیریم. یکی از معانی قضیه‌ی بالا این است که هیچ کس نیست که بتواند از نظام‌های تخصصی در نهادهای مدرن کاملاً دوری گزیند (گیدنز: ۱۳۸۰: ۳۴). زندگی در دوره‌ی مدرن توسط نظام‌های انتزاعی تخصصی تکه‌تکه می‌شود و یک نفر نمی‌تواند مانند گذشته، همه یا بیشتر کارهای خود را به صورت مستقل انجام دهد. البته به نظر زومکا اعتماد می‌تواند به مقولات انتزاعی دیگری مانند اعتماد به نظم، دموکراسی، علم و غیره نیز تعلق یابد (زومکا، ۱۳۸۶: ۹۸).

۴-۱- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌ی اصلی این تحقیق مدعی وجود رابطه بین از کار افتادگی‌های بیمه‌ی تأمین اجتماعی و اعتماد اجتماعی آنهاست.
براساس فرضیه‌ی اصلی این تحقیق، فرضیات فرعی زیر ارائه می‌شود:
- بین میزان اعتماد به نظام یا سیستم با مستمری‌بگیران بیمه‌ی تأمین اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین میزان اعتماد به نهاد با مستمری‌بگیران بیمه‌ی تأمین اجتماعی رابطه وجود دارد.
- اعتماد اجتماعی مستمری‌بگیران از کارافتادگی بیمه‌ی تأمین اجتماعی نسبت به فاقدان مستمری، از سطح بالاتری برخوردار است.

۵-۱- روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی استاندارد تحقیق مادسیج پشتیبان پژوهش است و جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، مستمری‌بگیران و فاقدان مستمری از کارافتادگی بیمه‌ی تأمین اجتماعی است که در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۱ براساس قانون تأمین اجتماعی تحت پوشش مستمری قرار گرفته‌اند و براساس سالنامه‌ی آماری تأمین اجتماعی، تعداد آنها ۳۰۷۴ نفر در طی این سه سال می‌باشد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی است که در آن، تعداد سی نفر از هر دو گروه به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسش‌نامه به صورت یکسان میان آنها توزیع و پاسخ‌ها دریافت شد.

۲- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

۱-۲- از کارافتادگی

از کارافتادگی با بیماری متفاوت است. از کارافتادگی می‌تواند از بیماری یا حادثه‌ی شغلی همچنین از حادثه یا بیماری غیرحرفه‌ای نشأت گیرد. چنانچه کارگر به هر دلیل توانایی خود را به صورت کلی یا جزئی از دست دهد، با توجه به درجه‌ی کاهش توانایی در دسته‌بندی مختلفی قرار می‌گیرد. در برخی موارد چنانچه کاهش توانایی ناشی از کار کارگر باشد، از سوی بیمه‌ی تأمین اجتماعی مورد حمایت است و چنانچه از غیر حرفه‌ی او باشد، مورد حمایت قرار نمی‌گیرد. یکی از مباحث حقوق کار، تعیین وضعیت کارگران از کارافتاده به منظور استفاده از مزایایی است که قوانین تأمین اجتماعی برای آنان در نظر گرفته‌است؛ برای مثال باید اشاره کرد که به موجب اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای ناشی از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی را به منظور حمایت از فرد از کارافتاده تأمین کند.
این اصل مقرر می‌کند: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری،

پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای ناشی از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند. بر طبق این اصل، قوانین عادی نیز در حمایت از کارگران از کارافتاده گام برداشته‌اند. در مبنای ایجاد این قانون تصویب شده نیز باید گفت که از کارگران از کار افتاده تحت عنوان افرادی که از قدرت تولید و بهره‌وری پایینی برخوردارند، یاد شده و لازم است در مواقعی که این قشر از کارگران گرفتار سانحه یا آسیب می‌شوند، مورد حمایت قرار گیرند. به همین علت، بحث پیش‌رو درباره‌ی ساز و کارهای حمایت از این قشر کارگران در قانون تأمین اجتماعی است.

از کارافتادگی انواع مختلفی دارد. مورد نخست، از کارافتادگی کلی است که عبارت است از کاهش قدرت کار کردن بیمه شده به نحوی که نتواند با اشتغال به کار سابق یا کار دیگر، بیش از یک سوم درآمد خود را به دست آورد. در چنین مواردی به تشخیص کمیسیون پزشکی، باید درجه‌ی کاهش قدرت کار کردن بیمه شده ۶۶ درصد و بیشتر باشد. لازم است به این نکته اشاره شود که این نوع از کارافتادگی اعم از اینکه ناشی از حادثه و بیماری حرفه‌ای باشد یا نه، مورد حمایت بیمه‌ی تأمین اجتماعی است و به موجب آن مستمری از کارافتادگی پرداخته خواهد شد؛ با این تفاوت که چنانچه از کارافتادگی به موجب حادثه‌ی ناشی از کار یا بیماری شغلی باشد، مستمری از کارافتادگی به صورت کامل و در غیر این صورت به نسبت سنوات حق بیمه‌ی پرداختی، مستمری محاسبه و پرداخت می‌شود. در مورد محاسبه‌ی از کارافتادگی کلی نیز باید گفت این نوع از کارافتادگی به این طریق محاسبه می‌شود که یک سی‌ام متوسط حقوق ماهانه‌ی بیمه شده در سنوات پرداخت حق بیمه ضرب می‌شود؛ به نحوی که از صد درصد متوسط حقوق ماهانه او کمتر و از ۵۰ درصد آن بیشتر باشد. همچنین باید توجه داشت حقوق متوسط ماهانه که مبنای محاسبات قرار می‌گیرد، عبارت است از جمع ۷۲۰ روزمزد - که بر مبنای آن حق بیمه‌ی پرداخت شده است - قبل از وقوع حادثه، تقسیم بر روزهای کارکرد ضرب در ۳۰ است. ذکر این امر نیز لازم است بیمه‌شدگانی که همسر، فرزند یا پدر و مادر تحت تکفل داشته باشند و مستمری استحقاقی آنان از ۶۰ درصد مزد یا حقوق متوسط آنان کمتر باشد؛ علاوه بر آن، معادل ده درصد مستمری استحقاقی به عنوان کمک به آنها پرداخت خواهد شد. مشروط بر آنکه جمع مستمری و کمک از ۶۰ درصد تجاوز نکند.

مورد دوم، از کارافتادگی جزئی است که به کاهش قدرت کار کردن بیمه شده گفته می‌شود؛ به نحوی که با اشتغال به کار سابق یا کار دیگری، فقط قسمتی از درآمد خود را به دست آورد. در چنین موردی به تشخیص کمیسیون پزشکی باید میزان کاهش قدرت کار کردن بیمه شده، بین ۳۳ تا ۶۶ درصد باشد. مضاف بر آن، علت حادثه نیز باید ناشی از کار باشد؛ بنابراین از کارافتادگی جزئی فقط در اثر حادثه‌ی ناشی از کار،

مشمول حمایت بیمه‌ی تأمین اجتماعی است و از کارافتادگی ناشی از حادثه‌ی خارجی یا بیماری اعم از حرفه‌ای یا غیر حرفه‌ای را شامل نمی‌شود. باید اضافه کرد که حوادث ناشی از کار، حادثه‌ی است که در حین اجرای وظیفه و به سبب آن برای بیمه شده اتفاق می‌افتد و مقصود از حین اجرای وظیفه، تمام اوقاتی است که بیمه شده در کارگاه یا مؤسسه‌های وابسته یا ساختمان‌ها و محوطه‌ی آنها مشغول به کار باشد، یا به دستور کارفرما در خارج از محوطه‌ی کارگاه به اجرای مأموریتی اشتغال داشته باشد. اوقات مراجعه به درمانگاه و بیمارستان یا برای معالجات درمانی و توان‌بخشی و اوقات رفت و برگشت بیمه شده از منزل به کارگاه، جزو اوقات اجرای وظیفه محسوب می‌شود؛ مشروط بر اینکه حادثه در زمان عادی رفت و برگشت به کارگاه اتفاق افتاده باشد. حادثه‌ی که برای بیمه شده در هنگام نجات سایر بیمه‌شدگان و مساعدت به آنان رخ می‌دهد، حادثه‌ی ناشی از کار محسوب می‌شود. میزان مستمری از کارافتادگی جزئی، عبارتست از حاصل ضرب درصد از کارافتادگی بیمه شده در مبلغ مستمری از کارافتادگی کلی که ذکر شد.

مورد سوم از کارافتادگی، مشمول غرامت نقص مقطوع است که مطابق آن اگر درجه‌ی کاهش قدرت کار کردن بیمه شده به تشخیص کمیسیون پزشکی، بین ۱۰ تا ۳۳ درصد باشد و آن حادثه ناشی از کار باشد، بیمه شده استحقاق آن را دارد که غرامت نقص مقطوع را دریافت کند. میزان آن عبارت است: از ۳۶ برابر مستمری استحقاقی مقرر در بند یک ضرب در درصد از کارافتادگی. در پایان با بررسی موارد فوق به این نتیجه می‌رسیم که کارگران از کارافتاده نیز مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته‌اند؛ منتها درصد از کارافتادگی بر نوع و میزان حقوق آنان تأثیر گذاشته‌است.

۲-۲-۲. اعتماد اجتماعی

مهم‌ترین رکن سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی است. اعتماد عبارت است از تمایل فرد به قبول شدن در یک موقعیت اجتماعی. این اعتماد اجتماعی است که تعهد به منافع ملی و اجتماعی را افزایش می‌دهد. در جامعه‌ای که اعتماد اجتماعی بالا باشد مردم به حکومت، قوانین و مجریان آن به چشم حامی و خادم می‌نگرند، خود را نسبت به مشکلات اجتماعی مسئول می‌دانند و بی‌تفاوتی اجتماعی به حداقل خود کاهش می‌یابد. بی‌ثباتی سیاسی، نارضایتی عمومی، رواج دروغ و نادرستی و در کل عدم رعایت اخلاق در جامعه، ناشی از بی‌اعتمادی است. در واقع، اعتماد اجتماعی بر انتظارات و تعهدهای اکتسابی تأیید شده به لحاظ اجتماعی دلالت دارد که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان احساس می‌کنند و این امر با رابطه‌ی تعمیم‌یافته قرین است. در ادبیات این پژوهش، تعریف مفهومی از اعتماد اجتماعی با چهار سطح مطرح شده که اعتماد بنیادین و بین شخصی، کمتر در این پژوهش مشاهده شده است. اعتماد تعمیم‌یافته را می‌توان چنین تعریف کرد: داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای؛ بنابراین، در اعتماد تعمیم‌یافته تعامل و ارتباط از سطح درون گروهی به بین گروهی

ارتقا می‌یابد. برای بررسی این بعد از اعتماد، اعتماد مستمری‌بگیران به افراد و جامعه مورد سنجش قرار گرفته‌است. اعتماد نهادی بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی دلالت دارد که مردم به نهادها (رسمی دولتی) دارند و بازگوکننده‌ی خوش‌بینی و اطمینان افراد نسبت به عملکرد نهادها و گروه‌های اجتماعی است که مستمری‌گیران و فاقدان مستمری بیمه‌ی تأمین اجتماعی با گزینه‌های (کاملاً موافق، موافق، نظری ندارم، مخالف و کاملاً مخالف) اندازه‌گیری شده‌است و در مجموع، نمره‌ی کل اعتماد اجتماعی، مجموع بعد شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی اعتماد خواهد بود.

۳- یافته‌های تحقیق

جدول شماره‌ی یک طبق سالنامه‌ی آماری سازمان تأمین اجتماعی، آمار برقراری احکام مستمری از کارافتادگی تأمین اجتماعی هرمزگان را نشان می‌دهد. برطبق این آمار، تعداد کسانی که در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ مشمول مستمری کلی ناشی از کار شده‌اند، به ترتیب ۹۹، ۱۰۲ و ۱۰۸ نفر است. همچنین تعداد کسانی که در این سال‌ها (۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳) به تشخیص کمیسیون پزشکی مشمول از کارافتادگی کلی غیر ناشی از کار شده‌اند، به ترتیب ۷۳۲، ۸۱۰ و ۸۷۱ نفر و مشمولین مستمری جزئی ناشی از کار به ترتیب ۱۰۹، ۱۱۵ و ۱۲۵ نفر است که در مجموع ۳۰۷۴ نفر به عنوان مستمری‌بگیر از کارافتادگی بیمه‌ی تأمین اجتماعی، تحت پوشش قرار گرفته‌اند (دفتر آمار بیمه‌ی اجتماعی هرمزگان: ۱۳۹۴).

جدول ۱: سالنامه‌ی آماری سازمان تأمین اجتماعی

سال	کلی ناشی از کار	کلی غیر ناشی از کار	جزئی ناشی از کار	جمع کل
۱۳۹۱	۹۹	۷۳۲	۱۰۹	۹۴۱
۱۳۹۲	۱۰۴	۸۱۰	۱۱۵	۱۰۲۹
۱۳۹۳	۱۰۸	۸۷۱	۱۲۵	۱۱۰۴
		جمع کل		۳۰۷۴

جدول شماره‌ی دو، توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب جنسیت در دو گروه مستمری‌بگیران و مستمری‌نگرفته‌های بیمه‌ی از کارافتادگی تأمین اجتماعی نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بیشترین فراوانی مربوط به مستمری‌بگیران مرد است. توزیع فراوانی پاسخگویانی که مستمری نگرفته‌اند، بین دو جنس مساوی است.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگو در دو گروه مستمری‌بگیران و مستمری‌نگرفته‌ها بر حسب جنسیت

کل	جنسیت		پاسخگویان
	مرد	زن	
۳۰	۱۸	۱۲	مستمری‌بگیران
۳۰	۱۵	۱۵	مستمری‌نگرفته‌ها
۶۰	۳۳	۲۷	کل

جدول شماره‌ی سه، توزیع فراوانی پاسخگویان را در اعتماد اجتماعی بر حسب دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کارافتادگی تأمین اجتماعی نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود؛ از بین ۳۰ پاسخگوی مستمری‌بگیر بیمه‌ی از کارافتادگی، ۷ نفر از آنها از اعتماد اجتماعی بالا و ۲۳ نفر از سطح اعتماد اجتماعی متوسط برخوردارند. در حالی که ۱۱ نفر از پاسخگویانی که فاقد این بیمه هستند، سطح اعتماد اجتماعی پایین و ۱۹ نفر سطح اعتماد متوسطی دارند.

جدول شماره‌ی ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان در اعتماد اجتماعی بر حسب دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کارافتادگی تأمین اجتماعی

کل	اعتماد اجتماعی پایین	اعتماد اجتماعی متوسط	اعتماد اجتماعی بالا	پاسخگویان
۳۰	۰	۲۳	۷	مستمری‌بگیران
۳۰	۱۱	۱۹	۰	فقدان مستمری
۶۰	۱۱	۴۲	۷	کل

جدول شماره‌ی ۴، تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی پاسخگویان را بر حسب دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کارافتادگی تأمین اجتماعی نشان می‌دهد. برای بررسی این رابطه، از آزمون تی مستقل استفاده شده‌است. با مشاهده‌ی جدول مذکور، به وجود تفاوت قابل توجه در میزان اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان دو گروه پی می‌بریم. با توجه به آمار به دست آمده، پاسخگویان مستمری‌بگیر (۷۰/۹۳) نسبت به پاسخگویان فاقد مستمری (۵۳/۴۳)، از میزان اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند؛ بنابراین با توجه به مقدار $T(۸/۳۸)$ و سطح معناداری $P < ۰/۰۰۰$ ، فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر پذیرفته می‌شود. همچنین میزان همبستگی آنها با استفاده از آزمون اتا سنجیده شد. نتیجه‌ی به دست آمده (جدول ۵)، از شدت رابطه‌ی بالا (۰/۷۴) بین دو متغیر حکایت می‌کند.

جدول ۴: بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی پاسخگویان و دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کار افتادگی تأمین اجتماعی

میزان همبستگی	آزمون اتا
۰/۷۴	رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی پاسخگویان و دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کار افتادگی تأمین اجتماعی

جدول ۵: بررسی تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی پاسخگویان در دو گروه دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کار افتادگی تأمین اجتماعی

واریانس	مستقل	انواع	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین	مقدار T	درجه آزادی	سطح
اعتماد اجتماعی	دریافت یا فقدان مستمری	دریافت کنندگان	۳۰	۹۳/۷۰	۷/۶۲۲۶	۷/۶۴۵	۸/۳۸	۵۷/۳۵	۰/۰۰۰
		غیر دریافت کنندگان	۳۰	۵۳/۴۳	۸/۵۰۴۳	۷/۵۵۳			

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی اعتماد اجتماعی پاسخگویان در دریافت و فقدان مستمری بیمه‌ی از کار افتادگی تأمین اجتماعی انجام شد. مستمری‌بگیران از کار افتاده، بخشی از جامعه هستند که به دلایل مختلفی از انجام کار بازمانده‌اند و نمی‌توانند به کار و فعالیت در جامعه بپردازند. آنها در صورت نداشتن پشتوانه‌ی مالی برای تأمین مایحتاج زندگی، امید خود را نسبت به آینده، جامعه و افراد آن، نهادهای اجتماعی و ... از دست می‌دهند و اعتماد آنها نسبت به جامعه سلب می‌شود، اما وجود نهاد و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی سبب کسب اعتماد اجتماعی می‌شود. این نوع از اعتماد، اعتماد به نظام یا سیستم است که در سطح جامعه‌شناسی بحث می‌شود و متوجه ساختارهای غیر شخصی است. در اعتماد به نظام یا سیستم، در جامعه‌ی مدرن الزاماً دو سوی فرایند ارتباط، ارتباط‌گران انسانی نیستند، بلکه انسان‌ها گاهی با کنشگران غیر فردی ارتباط برقرار می‌کنند. یافته‌ها و داده‌های این پژوهش بیان می‌کند که نهاد و اداره‌ی تأمین اجتماعی در استان هرمزگان، سبب شده افراد مستمری‌بگیر از کار افتادگی بیمه‌ی تأمین اجتماعی، نسبت به عملکرد نهادهای گروه‌های اجتماعی خوش‌بین شوند و اطمینان

یابند. براساس توزیع فراوانی پاسخگویان در اعتماد اجتماعی بر حسب دریافت یا فقدان مستمری بیمه‌ی از کارافتادگی تأمین اجتماعی، طبق جدول شماره‌ی سه نشان می‌دهد که از مجموع سی نفر پاسخگویان ۷ نفر از درجه اعتماد بالا، ۲۳ نفر از درجه اعتماد متوسط برخوردارند و هیچ فردی در درجه اعتماد پایین قرار ندارد. در گروه دوم مستمری نگرفته‌های تأمین اجتماعی، در درجه اعتماد اجتماعی بالا عدد صفر، در درجه اعتماد متوسط ۱۹ و اعتماد پایین ۱۱ نفر را نشان می‌دهد. داده‌های آماری اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که بین از کار افتادگی‌های بیمه‌ی تأمین اجتماعی، اعتماد اجتماعی و میزان اعتماد به نظام یا سیستم با مستمری‌بگیران بیمه‌ی تأمین اجتماعی رابطه‌ی وجود دارد. این فرضیه که اعتماد اجتماعی مستمری‌بگیران از کارافتادگی بیمه‌ی تأمین اجتماعی نسبت به فاقدان مستمری، از سطح بالاتری برخوردار است؛ طبق پاسخ‌های به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها صحیح است. جدول شماره‌ی ۴ تفاوت قابل توجهی را در میزان اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان دو گروه نشان می‌دهد. با توجه به آمار به دست آمده از میزان اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان دو گروه، پاسخگویان مستمری‌بگیر (۷۰/۹۳) نسبت به پاسخگویان فاقدان مستمری (۴۳/۵۳) از میزان اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند؛ بنابراین، با توجه به مقدار $T(۸۳۸)$ و سطح معناداری $p > ۰/۰۰۰$ فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر پذیرفته می‌شود. همچنین میزان همبستگی میان آنها نیز سنجیده شد و نتیجه‌ی به دست آمده حاکی از شدت رابطه‌ی بالا (۰/۷۴) بین دو متغیر است.

منابع و مأخذ

- آزاد ارمکی، تقی و کمالی، افسانه (۱۳۸۳)، «اعتماد، اجتماع و جنسیت؛ بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس»، جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲: ۱۳۲-۱۰۰.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۴)، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، نمایه پژوهش، شماره‌ی ۱۸: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: کویر.
- بالاخانی، قادر و جواهری، فاطمه (۱۳۸۵)، «رسانه جمعی و اعتماد، بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان تهرانی)»، مجله علوم اجتماعی، سال سوم، شماره‌ی ۱: ۲۹-۱.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
- خدا بندلو، محمد (۱۳۹۰)، روزنامه کیهان، یکشنبه ۵ مهر.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۶)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زومکا، پیوتر (۱۳۸۶)، نظریه جامعه‌شناختی اعتماد، ترجمه‌ی غلامرضا غفاری، تهران:

شیرازه.

علی پور، پروین؛ زاهدی، محمدجواد و شبانی، ملیحه (۱۳۸۸)، «اعتماد و مشارکت، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در شهر تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۲: ۱۳۵ - ۱۰۹.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم؛ سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیاد نظریه‌های اجتماعی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نی. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نی.

Reeskens, Tim and Hooghe, Marc (2008), *cross-cultural measurement equivalence of 13-generalized trust*, (2007) soc zndic Res, pp 515-532.

www.tebyan-zn.ir

www.kayhannews.ir

www.vekalatonline.ir

The Status of insurance in attracting social trust in Bandar Abbas

M. Jafarinezhad¹

M. Kharazmi²

Abstract

The concept of social trust develops in the process of social relationships between individuals and organizations together. It is the main and the most important pillar of social capital in the private and public spheres forming the capital. Its private aspect applies to the relationship of two individuals and its public aspect appears in trusting group, party or government or formal and non - formal organizations and social institutions. These organizations or social institutions can create relationships between individuals, and then increase social participation and finally create social trust. This article aims to examine the differences of the mean of respondents' Social trust in both groups, receiving or not receiving a pension from Social Security disability insurance in Hormozgan province. The statistical population consisted of two groups of pensioners of the Social Security Disability Insurance in the province in years of 1391-1393 and on the one hand, non-pensioners of the Social Security Insurance in the province. Thirty people are selected randomly from each group as the sample. The research method is survey and data are collected using madsyj standard questionnaire of the social trust and for studying social relations between the two groups independent t-test is used and their correlation is measured by using the ETA test. The findings show that pensioners of the Social Security Disability Insurance benefit from social trust more highly than non- pensioners of the Social Security Disability Insurance. and the obtained results indicate the severity of the above relation (74/0) between two variables.

Keywords: social trust, Social Security, Social Security Insurance, Social Security Disability Insurance.

1. Assistant Professor of political science, Azad University of Shahr Reza, Isfahan.

2. Ph.D. student of Political Science and Public Policy, Payame Noor University of Hormozgan.